

بجهت ایمان با قوت اعتقاد مرتب ثواب کند بر اخلاق  
حسنة و تصدیق بوجود عقاب نماید بر اخلاق سیئه جز  
حاصل کرد و از شرخیز شود و بواسطه موافقت بر کس  
چیز و جناب از شرمکات حمید و نفس حاصل شود و صفات  
و بیخیزیل کرد و ما بنور توحید که سالک بعد از آن که  
بجذبات او را از خود فانی کرد و اندوخت و بانی دل او  
ذات شود و نفسی و نظرها از جذبات جدا اول نفوت  
در محارفات او چنان باید و با اخلاق الهی شود و در  
ازین مرتبه دیگر نیست هر که بدین مقام رسید منزلی نیست  
که فوق آن منزلی نیست کمال این منزلت رسول را بود  
صلوات الله علیه و سلم که خطاب و انک علی خلق عظیم محال نیست  
بعد از او چنانست و اندازه و قرب خواص امت او را  
تعیین از آن کرامت باشد و فرق میان این مخلق و سایر  
مخلقات آنست که نصیب ایشان از حقایق حقائق جز  
انرا و رسوم نباشد و مخلوق نشوند الا بسبب و مخلوق و

و موجود جمع حقایق اخلاق متخلق و متصف باشند و بما  
تا که شرح ناظم قدس در زیر عبارت اشارت بدین مرتبه فر  
میکند و میگوید **ربانی عشق** تو زبان شوق بگفت مرا  
در جمله صفات مرا بر داخت مرا **بجملتی از صفات خود**  
**ساخت مرا** زبان خلقت مل نواز نبوات مرا **قال**  
**و کون ال قدم القوم ثم قدماها** لک **بمنه شما**  
**الشم مال جزایا ل میل الی صاحب** و هر چند بنشین  
**تیب** و چهل قدم ای نبی تقبل و انعام ما یوسف فی  
ثم الاریق لیصغی به باینه و انعام بالفتح و التشریح  
و اللهم القبه و قد نمت فاما ما کبر اذا اقبلتها و رباجا  
بالفتح و التشریح و التشریح و التشریح و التشریح  
مال و اللهم مقول و یوز العیس الیه و انک تصی مقولین فاما  
ضمیر اقدم و ما نهما من شما یله **میگوید** در آن رس شاهی کیم  
قوم خویش براهت و نادانی و عنایت و کرامت شما  
یافته باشد بسوسید که در روان ابرق مرو کلوی را